

ایران ۲۳ سال پس از انقلاب پر شکوه بهمن استبداد ولایتی جانشین استبداد شاهنشاهی

خطر جدی را در مورد سرنوشت رژیم استبدادی شاه به صدا در آورد. قره باغی، ارتشبد رژیم شاه، مخفیانه به دیدار رهبران انقلاب شتافت تا ابزار سرکوب و نیروی نظامی رژیم لطمه نبیند و فردوست ها و امثالهم خود را آماده خدمت گذاری برای هر حکومتی که بتواند در مقابل «کمونیسم» ایستادگی کند اعلام کردند. ترکیب ناهمگون نیروهای شرکت کننده در انقلاب، ضعف عمومی و سازمانی نیروهای چپ، خصوصاً حزب توده ایران و جنبش فدائیان که به دلیل سال ها سرکوب خونین در شرایط دشواری بسر می بردند و توطئه های

ادامه در صفحه ۴

۲۲ بهمن ماه امسال، بیست و سه سال از پیروزی انقلاب شکوهمند و مردمی بهمن می گذرد. انقلاب بهمن، خروش عظیم توده های میلیونی خلق با شعارهای «آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی» بود. انقلاب بهمن به گواهی تاریخ یکی از پرشکوه ترین و خلقی ترین جنبش های مردمی منطقه ما با اثرات عمیق اجتماعی - سیاسی در طول منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بود. انقلاب بهمن، در اثر مبارزه مشترک تمامی نیروهای مترقی کشور و در رأس آنان کارگران و زحمتکشان ایران با هدف استقرار یک جمهوری متکی بر آرای مردم به پیروزی رسید. مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت یکی از کلیدی ترین مقاطع انقلاب بود که زنگ های



شماره ۶۲۷، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۶ بهمن ۱۳۸۰

گزارش اجلاس احزاب کارگری و کمونیستی منطقه خاورمیانه در ص ۶

مضحکه مبارزه بر ضد «مفاسد اجتماعی»

از هنگام شروع نمایشنامه «مبارزه با فساد اقتصادی» رژیم ولایت فقیه تاکنون، سخنرانی مهدی کروبی، در جلسه روز چهارشنبه ۱۰ بهمن مجلس را باید نقطه اوج بحران فزاینده رژیم پوسیده ولایت فقیه تلقی کرد. سخنان مهدی کروبی در مجلس، بیش از آنکه نشان دهنده بینش های واقعی کروبی در مورد اصلاحات باشد، مبین این واقعیت است که حلقه تنگی که برای نیروهای «خودی» در حال پیاده شدن است، آنچنان فشاری را ایجاد کرده است که اشخاصی همچون کروبی را هم به داد و فغان وادار کرده است. سخنان کروبی که این بار کمی بازتر و عبران تر ساختارهای فاسد رژیم را از زبان یکی از مسئولان بالای حکومت برملا ساخت، نکات تعجب برانگیز و تکان دهنده بی، لاقبل برای توده های ستم کشیده میهنمان در برنداشت اما همین سخنان بیان شده دارای نکاتی است که تعمق بر روی آنها ضروری است. کروبی با بیان اینکه او به هیچ قیمتی حاضر نبوده وارد این بحث ها شود و این امر بر او تحمیل شده، ضمن

بقیه در صفحه ۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران سخنان مداخله جویانه و خطر آفرین جورج بوش را شدیداً محکوم می کند

در میهن ما که به بهانه این چنین موضع گیری هایی فشار بر نیروهای دگراندیش را دوچندان کنند و هر مخالفت سیاسی را به همسویی با امپریالیسم و آمریکا متهم کنند. راست رو ترین جناح رژیم ولایت فقیه که پیشینه آن گواه بارزی از آمادگی برای رسوا ترین قراردادهای استعماری - استثماری است زیر پوشش بسیج افکار عمومی بر ضد «استکبار جهانی» اما در عمل برای جلوگیری از گسترش مبارزات توده های مردم برای دموکراتیزه کردن حیات کشور و تامین عدالت اجتماعی با طرح شعار های تو خالی و عوام فریبانه تلاش می کنند تا مسیر حوادث کشور را به نفع خود منحرف سازند. ورشکستگان سیاسی رژیم گذشته هم که با مشاهده جهت تحولات در افغانستان و به قدرت رسیدن محافل نزدیک به شاه سابق شدیداً به هیجان آمده اند با قبول نقش در بازی خطرناکی که دولت های غربی با فراهم آوردن امکانات وسیع تبلیغاتی برای آنان فراهم کرده اند، تحرک بی سابقه ای یافته اند. مطبوعات جهان از فشار بی سابقه محافل قدرتمند نزدیک به دولت اسرائیل، که کنترل

ادامه در صفحه ۶

سخنان جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، درباره ادامه «جنگ آمریکا بر ضد تروریسم»، و تهدید سه کشور ایران، عراق و کره شمالی به عنوان «محور اهریمنی»، در جریان سخنرانی در کنگره آمریکا، در روز ۹ بهمن ماه ۱۳۸۰ (۲۹ ژانویه) افکار عمومی جهان را به شدت برانگیخت. شماری از کشورهای اتحادیه اروپا، روسیه بسیاری از کشورهای منطقه و جهان ضمن اظهار حیرت از موضع گیری جدید رهبران سیاست گذاری ایالات متحده تعجب و مخالفت خود را از اظهارات جورج بوش اعلام کردند.

حزب توده ایران و نیروهای مترقی و میهن پرست ایران و منطقه ضمن محکوم کردن این اظهار نظر های غیر مسئولانه، تشنج آفرین در عین حال نگرانی عمیق خود را از خطراتی که ثبات سیاسی منطقه و آینده میهن مان را تهدید می کند، ابراز می کنند. حضور بی سابقه نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، بحران بی سابقه اوضاع خاورمیانه و بهانه جویی اسرائیل برای تصفیه حساب با ایران و عراق جایی برای خوش بینی باقی نمی گذارد. موضع گیری اخیر ایالات متحده در عین حال بهانه بی است در دست ارتجاعی ترین نیروهای واپس گرا

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامهٔ مضحکه مبارزه با «مفاسد ...»

اشاره به مذاکرات پشت پرده‌ی که از قبل با دیگر مقامات حکومتی بر سر این مسأله داشته گفت که این موضوعی است بر ضد مجلس شورای اسلامی و ربطی به مبارزه با فساد اقتصادی ندارد. کروی بی در ادامه با اشاره به دادگاه جزایری و نحوهٔ اقرار گرفتن از او، به طور تلویحی اشاره کرد که این نوع اعترافات دارای ابهاماتی است و باید در این مورد با نظارت او به عنوان رئیس مجلس و نظارت ریاست جمهوری پیگیری و تحقیق شود. اما کروی با ادای این اظهارات که مبارزه با فساد اقتصادی باید ادامه یابد و او هم از این امر پشتیبانی می‌کند گوشه‌هایی کوچک از فساد اقتصادی مقامات دولتی را بر ملا کرد که حایز اهمیت است. وی گفت: «معروف بر این است که جنس را از خارج می‌آورند. حتی طرف می‌گوید کجا به شما تحویل بدهیم و می‌آورند و وارد می‌کنند، بدون مقررات. آیا این وجود دارد یا نه؟ نکته دوم، بنا بر برخی مدارک، اسکله‌هایی غیر مجاز وجود دارد که اصلاً گمرک حاکمیت بر آنها ندارد، من هم نمی‌دانم چرا اسکله‌هایی وجود دارد؟ این اسکله‌های غیر مجاز چکار می‌کنند؟ نکته سوم، اوایی که اصلاً اسمی از جزایری نبود، بعد از فرمان رهبری ما برای مبارزه با فساد اقتصادی رفتیم و جلسات تشکیل می‌شد، آقای یونسی فرمودند ما یک پرونده‌ای داریم که ۱۴ میلیارد تومان از بانک گرفته و یکی از پرونده‌های بسیار مشکل است و چکار باید بکنیم؟ یکی از امکان مقدس نامه برای این موضوع داده است، دیگری هم از همان بخش امضاء کرده و یک ریال از این پول برنگشته است و این چک همینطور مانده، این چک چه شد؟» (نوروز، ۱۱ بهمن)

روزنامه نوروز در همان روز در مقاله‌ی بی‌نام «تاریک خانه‌های اقتصادی»، در قسمتی از مقاله مورد اشاره می‌نویسد: «اگر بفهمی که مثلاً یک سرمقاله نویس سینه چاک مبارزه با مفاسد اقتصادی بهره‌مند از رانت نیم میلیارد دلاری در واردات ذرت است، آنگاه درخواهی یافت که تاریکخانه‌های اقتصادی سربازان خود را چگونه انتخاب و منتفع خواهند کرد تا به وقت واقعه سپر بلای آنان باشند.» استناد به سخنان کروی و دیگر موارد اشاره شده توسط روزنامه «نوروز» به خوبی آشکار می‌سازد که جناح حکومتی طرفدار اصلاحات از زوایا و رازهای نهفته دیگر آگاه است منتها هنوز ترجیح می‌دهد آنها را در لفافه بیان کند. همزمان با این تحولات، هفته گذشته مجلس در رابطه با مسایل جاری میهن جلسه غیر علنی برگزار کرد. بورقانی در مورد مطالب مطرح شده راجع به پرونده جزایری در این جلسه گفت: «مطالبی که در دادگاه جزایری مطرح شده است در مراحل رسیدگی‌های اولیه اصولاً مسأله اصلی نبوده و مسایل دیگری مد نظر

باز هم دربارهٔ مبارزهٔ فرهنگیان کشور

در پی حرکت‌های اعتراضی معلمان و فرهنگیان در شهرهای مختلف میهنمان، اخیراً جبهه مشارکت اسلامی بیانیه‌ی در این رابطه انتشار داده که قابل بررسی است. در قسمتی از این بیانیه آمده است: «یکی از راههای اصولی جهت تحقق مطالبات اقتصادی اجتماعی اقشار مختلف تشکیل نهادهای مدنی مربوط به هر قشر و پیگیری منطقی و عقلانی این مطالبات در چارچوب‌های قانونی است و متقابلاً دستگاه‌های دولتی و حکومتی نیز بایستی ضمن به رسمیت شناختن این نهادها پاسخگوی این مطالبات باشند و مبادا که در یک فضای مبهم و آلوده به مطامع فرصت طلبان از سوی با سیاسی قلمداد کردن مطالبات صنفی، مسئولان ذریبط از رویارویی با اصل مسئله فرار کنند و از سوی دیگر امکان پیگیری منطقی این مطالبات در چارچوب مقدرات و امکانات در دسترس از بین برود. در خلال اقدامات اخیر تشکل‌های صنفی فرهنگیان، توانایی این قبیل نهادها جهت به صحنه کشاندن این حضور قاطبه معلمان جهت پیگیری مطالبات خود در عرصه را به خوبی مشاهده کردیم و در عین حال فقدان تجربه، سابقه و انسجام تشکیلاتی این خطر را گوشزد می‌کند که ممکن است در ادامه راه این نهادها، قدرت سازمان‌دهی و هدایت و رهبری حرکت‌های را که خود به وجود آورده‌اند، نداشته باشند و رشته کار از دست آنان خارج شود که این امر علاوه بر دست اندرکاران تشکل‌های صنفی فرهنگیان، مسئولیت آموزش و پرورش را نیز مضاعف می‌کند.» در قسمتی دیگر آمده است: «بی تردید فرهنگیان دلسوز به این نکته توجه دارند که طرح مطالبات و خواسته‌ها هر چقدر هم بر حق و اصولی باشد اگر با رفتارهای غیر قانونی همراه شود، اولین لطمه آن بر اصل حرکت و امید به اصلاح و تحقق این مطالبات خواهد بود. البته بدون هیچگونه مصلحت‌اندیشی و عقب‌نشینی از خواسته‌های قانونی و اصولی می‌توان با شیوه‌های قانونمند که پیگیری مطالبات از طریق تشکل‌های صنفی از جمله آنهاست در جهت تحقق این مطالبات اقدام نمود.» (نوروز، ۱۱ بهمن)

اولین مسأله‌ی بی‌در بیانیه مزبور از آن سخن نرفته است همان حمایت یا عدم حمایت از اعتراضات اخیر است. بالاخره باید مشخص شود اعتراضات اخیر معلمان به حق بوده است یا نه. در بیانیه مزبور با اشاره و تأکید بر این مسأله که اجتماعات اخیر صنفی بوده نه سیاسی تلاش شده است تا برداشت خاصی که هدفش جلوگیری از سیاسی شدن حرکت‌های اعتراضی اجتماعی است تشویق گردد. هر چند در بیانیه جبهه مشارکت ذکری در این مورد نرفته است اما با توجه به دیگر موضع‌گیری‌های اصلاح طلبان حکومتی، منظور باید جناح مقابل تلقی شود که هدف اصلی آن مجلس و نمایندگان بوده است. اعلامیه شاخه فرهنگیان جبهه مشارکت حوزه شرق

ادامهٔ تهاجم و فشارهای نیروهای ارتجاعی

بر جنبش دانشجویی

اخبار نگران کننده ای که در رابطه با دستگیری های اخیر فعالان دانشجویی در طول هفته های گذشته انتشار یافت، در طول هفته گذشته با ادامه دستگیری های بیشتر و به افزایش گذاشته است. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید رجایی، با صدور اطلاعیه ای از ناپدید شدن مهدی فخر زاده، عضو سابق شورای مرکزی این انجمن خبر داد. علاوه بر فرد یاد شده، از آرمان رضاپور، دانشجوی مکانیک دانشگاه آزاد واحد شهرری و جواد رحیم پور، عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی نیز به عنوان افراد ناپدید شده، نام برده شده است. پدر آرمان رضاپور، در نامه ای به محسن میردامادی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در این باره تقاضای رسیدگی کرده است. بر اساس گزارش هایی مشخص شده است که جواد رحیم پور و آرمان رضاپور توسط شعبه ۴ دادگاه انقلاب بازداشت شده اند. از محل نگهداری این دانشجویان هیچ خبری نیست. سید باقر ذکی اسکویی، یکی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و مدیر مسئول نشریه قلم و سعید ظهراپی، عضو شورای سردبیری این نشریه به دادگستری استان تهران احضار شدند. اکبر عطری عضو سابق دفتر تحکیم وحدت در اشاره به حکم صادره برای بنیاد شهرداری گفت: «قاضی پرونده عمل گروهی که شهرداری را مورد ضرب و شتم قرار دادند را یک اقدام شرافتمندانه توصیف کرده است و اینها نشان می دهد که انگیزه دستگاه قضایی برخورد با جرایم نبوده، بلکه برخورد با یک فکر بوده است و باید این نگاه عوض شود. با اینکه دستگیری و به زندان انداختن نیروهای سیاسی در داخل ایران منحصر به دانشجویان نبوده اما به دلیل اینکه قشر دانشجویی نقش مهم و تعیین کننده در معادلات سیاسی چند ساله اخیر ایفا کرد و گستردگی آن خطراتی را برای رژیم ولایت فقیه در برداشت، فاز سرکوب این جریان قبل از همه شروع گردید و تاکنون هم ادامه دارد. یکی از دلایلی که امکان چنین سرکوب ها و دستگیری ها را به آسانی میسر گردانده، باز بودن نوع فعالیت دانشجویی است. جنبش دانشجویی باید به این حقیقت که رژیم ولایت فقیه یک رژیم ضد مردمی و سرکوب گر است شیوه های مبارزاتی خویش را متناسب با ماهیت رژیم کنونی تنظیم و به مرحله اجرا در آورد. بسیاری از کادرهای موثر و مطرح جنبش دانشجویی هر روز با پاهای خویش روانه سیاه چال های رژیم می گردند و از این طریق هم جنبش دانشجویی دچار خسارت می شود و هم جنبش مردمی محروم از وجود چنین کادرهای ارزنده و فعال. با تغییر شیوه های مبارزاتی راه را بر سرکوب گری رژیم ولایت فقیه مسدود و مشکل سازیم.

همان قوانین زن ستیزانه ای است که از بدو برپایی رژیم ولایت فقیه به مرور زمان بر زنان تحمیل شده است. مولارودی در ادامه با بیان اینکه شرط موردی برای کنوانسیون تعیین نکرده است، اظهار داشت: «با توجه به بررسی های صورت گرفته، این نتیجه بدست آمد که ایران مغایرت های بسیاری با این کنوانسیون دارد و اگر شرط موردی قرار داده می شد، تخصیص اکثر لازم می آمد.» وی گفت که اگر شرط موردی از سوی دولت ایران برای پیوستن به این کنوانسیون قرار داده می شد، الحاق ایران به هیچ وجه مورد پذیرش قرار نمی گرفت. رژیم ولایت فقیه از آنجا که سعی وافر دارد چهره ای بزرگ کرده در حمایت از زنان در سطح بین المللی ارائه دهد، با شیوه ها و ترفندهای مختلف علاوه بر شرکت و پیوستن به مجامع و کنوانسیون های بین المللی در صدد کاهش فشارهای داخلی و بین المللی می باشد. اما با توجه به سرشت زن ستیز این رژیم حتی پیوستن به این مجامع مانع از آن نمی شود که در قوانین زن ستیز خویش کوچکترین عقب نشینی را انجام دهد. تعیین شرط و شروط برای ورود به این مجامع از آن جا ناشی می شود که راه را برای اجرا نکردن مصوبات

رژیم «ولایت فقیه» و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

خبرگزاری ایسنا، ۱۴ بهمن، گفت و گویی با شهیندخت مولارودی انجام داده که در آن وی به تشریح پیوستن ایران به «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» پرداخته است. سرپرست ارتباطات بین الملل مرکز امور مشارکت زنان، در مورد دلایل پیوستن ایران گفت: «با توجه به شرایط ملی و بین المللی که از ۱۸۸ کشور جهان، ۱۶۸ کشور، و از ۵۶ کشور اسلامی نیز ۴۴ کشور به کنوانسیون پیوسته اند، به همین جهت مناسب دیده شد که ایران نیز به این کنوانسیون ملحق شود.» جالب اینکه مولارودی در ادامه به فشارهای وارد شده به رژیم ولایت فقیه اشاره می کند و می گوید: «این الحاق راهی است جهت کاهش فشارها بر ایران، همچنین زمینه درک بهتر قوانین مربوط به زنان فراهم خواهد شد.» به این ترتیب مشخص می شود الحاق ایران به این کنوانسیون نه از سر رضایت مقامات زن ستیز رژیم ولایت فقیه، بلکه ماحصل فشارهای روزافزونی است که از جوانب مختلف به آنها وارد شده است. این موضوع وقتی بیشتر آشکار می شود که وی در ادامه می گوید: «از آن جا که الحاق ایران به این کنوانسیون مشروط است، با قرار دادن شرط کلی «عدم مغایرت با موازین شرعی»، ابتکار عمل را بدست گرفته و می توانیم پیامدهای مختلف این الحاق را با توجه به منافع خود و به صورت ارادی تنظیم کنیم.» منظور مولارودی از «عدم مغایرت با موازین شرعی» دقیقا

ادامهٔ بازهم دربارهٔ مبارزه فرهنگیان ...

تهران نیز به همین مورد اشاره مستقیم دارد. «دست هایی پنهان، با اهدافی متفاوت و بیگانه با اهداف فرهنگیان و تجمع صنفی آنها، فرصت طلبانه کوشش های تخریبی و غیر قانونی فراوانی به کار بردند تا از یک سو فرهنگیان فرهیخته و فکور را در مقابل دولت و مجلس اصلاحات قرار دهند و از دیگر سو، انتظارات و درخواست های فرهنگیان را به مولفه های بسیار نازل مادی و مالی تقلیل دهند.»

اصلاح طلبان حکومتی از جمله جبهه مشارکت بارها در مقاطع مختلف خطاب به جناح مقابل هشدار داده اند که رویگردانی مردم از اصلاح طلبان حکومتی به معنی پشتیبانی از جناح راست نخواهد بود و به کرات اعلام کرده اند که جناح ذوب در ولایت فاقد پایگاه مردمی می باشد. اگر این ارزیابی را صحیح بدانیم با توجه به جمعیت انبوه شرکت کننده در اعتراضات اخیر، این سؤال پیش می آید که این جمعیت انبوه به چه دلیل پشت درهای مجلس اجتماع کرد؟ اگر بپذیریم که این امر با سازمان دهی ذوب شدگان در ولایت صورت گرفته باید به این نتیجه رسید که برخلاف ارزیابی های سابق جناح مقابل دارای پشتوانه مردمی می باشد. اما اگر این را قبول نکنیم پس باید بپذیریم که گروهی از زحمتکش ترین افراد جامعه ما خواسته های به حقی دارند. این زحمتکشان می گویند بیست و چهار سال از انقلاب شکوهمند بهمن و نزدیک به پنج سال از دوم خرداد گذشته و هیچ یک از خواسته های آنها تحقق نیافته است. اینکه این زحمتکشان با سازمان دهی چه گروهی پشت درهای مجلس اجتماع کردند یک مسأله و اینکه آنها در کل چه خواسته هایی دارند مسأله دیگری است. اما جبهه مشارکت از رفتارهای غیر قانونی سخن به میان آورده است که دقیقا متوجه معلمان است. باید پرسید این رفتارهای غیرقانونی چه بوده اند؟ اشاره به شیوه های قانونمند شده است. باید مشخص شود شیوه های قانونمند کدام هستند؟ بیانیته جبهه مشارکت اشاره به تشکل های صنفی و نهادهای مدنی و ضرورت ایجاد آنها کرده است، اتفاقا یکی از خواسته های اصلی تظاهرکنندگان ایجاد روزنامه مستقل و تشکیلات مستقل از حکومت شده بودند. امری که در طول تمامی این بیست و سه سال گذشته با مخالفت سردمداران حکومت مواجه شده است. حوادث سریع و غیر قابل کنترل در حوزه اجتماعی و سیاسی موضع گیری های شفاف را طلب می کند. بیانیته جبهه مشارکت یکبار دیگر نشان داد که درب برای اصلاح طلبان حکومتی هنوز بر روی همان پاشنه می چرخد. هراس از مردم و چانه زنی در بالا.

آزادی برای همه
زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ ایران ۲۳ سال پس از انقلاب بهمن ...

مداوم امپریالیسم و ارتجاع، سبب شد که حاکمیت برآمده از انقلاب، بر رغم کنار زدن بورژوازی وابسته، نه تنها نماینده یی از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا در ترکیب خود نداشته باشد، بلکه عمدتاً در کنترل اقشار گوناگون بورژوازی، از خرده بورژوازی و بورژوازی کوچک تا بورژوازی بزرگ تجاری کشور قرار گیرد. شرکت وسیع مردم و حضور چشمگیر آنان در صحنه های انقلاب و نفوذ معنوی چشمگیر نیروهای چپ در درون جامعه، در ماه های نخست انقلاب موجب تغییرات موثری در عرصه حیات سیاسی جامعه شد. اخراج مستشاران خارجی از ایران، ملی شدن بانک ها و موسسه های تجاری مالی وابسته، ملی شدن کارخانه ها، ملی کردن بازرگانی خارجی، تصویب اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، آزادی و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی از جمله دست آوردهایی است که در آغاز انقلاب به دست توانمند توده ها تحقق یافت.

هراس عمیق ارتجاع از بسط اعتبار نیروهای مترقی و دموکراتیک، ترکیب ناهمگون طبقاتی حاکمیت که عمدتاً بر لایه های گوناگون بورژوازی تکیه داشت، انحصار طلبی شدید نیروهایی که رهبری انقلاب را به دست گرفته بودند، و تفکر ارتجاعی این نیروها که تلاش می کردند یک «نظام اسلامی» قرون وسطایی را بر میهن ما تحمیل کنند، خیلی زود انقلاب بهمن را متوقف ساخت و امکان نداد تا انقلاب از مرحله سیاسی به مرحله اجتماعی اش فرا رود. وعده های خمینی و اطرافیان او پیرامون حمایت از «مستضعفان» و «کوخ نشینان» در مقابل «کاخ نشینان» جای خود را به دفاع از «تجار محترم»، دفاع از زمینداران بزرگ، متوقف کردن اصلاحات ارضی و قول آزادی ایران جای خود را به زندانی کردن، شکنجه و اعدام هزاران دگراندیش داد. حاکمیت برآمده از انقلاب پس از طی کردن یک دوران کوتاه دگریدیسی در دست نیروهای وابسته به کلان سرمایه داری تجاری، زمینداران بزرگ و بورژوازی بورکراتیک نوین که در دستگاه دولتی پس از انقلاب رشد و پرورده شده بود متمرکز شد.

عمده ترین مشخصه های این دوران سیاه حکومت «ولایت فقیه» در ایران را می توان در ادامهٔ جنگ خانمان سوز و به نابودی کشاندن صدها هزار نفر برای تحقق و استقرار «امپراطوری اسلام»، سرکوب خشن و خونین آزادی ها و حقوق دموکراتیک، تخریب اقتصادی - اجتماعی ساختار جامعه و تحمیل یک فرهنگ عمیقاً ارتجاعی و واپسگرا به مردم خلاصه کرد. در این دوران سیاه است که فقر و محرومیت در ابعاد بی سابقه میلیون ها ایرانی را به کام خود فرو می کشد، تولید داخلی روند سقوط و اضمحلال را می پیماید، میلیون ها تن به ارتش بیکاران می پیوندند و فساد بی سابقه و ناهنجاری های اجتماعی از اعتیاد، قتل و خودکشی و فساد بی سابقه در دستگاه اداری جامعه را در پرنگاه سقوط و انفجار قرار داده است.

بیست و سومین سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در شرایطی برگزار می شود که نزدیک به پنج سال از حماسه حرکت مردم در دوم خرداد ۱۳۷۶ می گذرد. پنج سال پس از حماسه دوم خرداد اکثریت قاطع مردم میهن ما دریافته اند که در چارچوب ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و بنیادین در ایران امیدوار بود. در پنج سال گذشته، همان نیروهای ورشکسته سیاسی که انقلاب بهمن ۵۷ را به مسلخ بردند، با استفاده از همه امکانات «قانونی» و دستگاه های عربض و طویل سرکوب همه تلاش خود را به کار گرفته اند که سد راه تحقق خواست های مردم میهن ما در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشند. در حکومت رژیم فقها، همچون سلف شاهنشاهی اش، مردم در بی حقوقی کامل به سر می برند و آزادی خواهان به جرم «اقدام بر ضد نظام»، به شکنجه گاه ها و زندان ها کشیده می شوند تا ارتجاع بتواند به حیات خود ادامه دهد. پنج سال تجربه مبارزه با رژیم حاکم تجربه گرانبهایی برای جنبش مردمی است. نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، کارگران، دانشجویان، زنان و قشرهای زحمتکش و همچنین شماری از نیروهای سیاسی و مدافع روند اصلاحات به تجربه دریافته اند که آینده روند اصلاحات به سازمان یافتگی و ارتقاء کیفی جنبش بر ضد رژیم بستگی دارد و نه به موفقیت این یا آن شخصیت سیاسی مدافع اصلاحات.

۲۳ سال پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مردم ما همچنان پیگیرانه در راه تحقق آرمان های عقیم مانده انقلاب می رزمند.

جشن شصتمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران در نیویورک

شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران در آذر ماه جاری در محیطی گرم و رفیقانه با شرکت اعضاء و هواداران حزب و همچنین سازمان های سیاسی دیگر در نیویورک جشن گرفته شد. سالن برگزاری جشن با تابلوی گل سرخ، سمبل حزب توده ایران، که توسط یکی از هنرمندان ایرانی نقاشی شده بود، و میز کتاب ها و نشریات حزبی و گلدانی پر از گل های سرخ تزیین شده بود. برنامه با خوش آمدگویی به نمایندگی از طرف سازمان حزبی در آمریکا به مدعوین توسط یکی از رفقا شروع شد. ابتدا یک دقیقه سکوت به احترام و یاد شهدای حزب و شهدای مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی اعلام گردید و پس از آن سرود چهارم حزب پخش گردید که بازتاب آن قطره اشک شوق در چشمان اکثر حاضران، احترام، غرور و افتخار به حزبی مبارز ریشه دار و قدیمی بود که حتی اگر توده ای نباشی ترا گریزی نیست از احترام به آن.

سپس مطلبی که در باره تأسیس حزب، فلسفه بوجود آمدن و ضرورت تاریخی آن با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان، مبارزات حزب در طول شصت سال برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، کار مداوم و خستگی ناپذیر آن در جهت اعتلای فرهنگ و هنر در میهن و در راه احقاق حقوق کارگران، دهقانان، زنان، جوانان، کودکان و توضیح در مورد نقش برجسته اعضاء و هواداران حزب توده ایران در رابطه با سازماندهی تشکل های کارگری، دهقانی، زنان، جوانان، مبارزه برای مزایای کارگران و زحمتکشان مثل ۸ ساعت کار، حق مرخصی، ممنوعیت کار برای کودکان زیر ۱۲ سال و مبارزه با فاشیسم در دوران جنگ جهانی دوم و غیره... توسط یکی از رفقا خوانده شد. آنگاه پس از خواندن اشعار در مورد حزب و مبارزات مردم مان توسط دوتن از رفقا، یکی از مهمانان ترقی خواه آمریکایی که شاعر و نویسنده می باشد چند شعر با مضامین مترقی خواند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

در بخش بعدی جشن در گفتگویی به سئوالات برخی از شرکت کنندگان در رابطه با تاریخ و حیات مبارزاتی حزب پاسخ گفته شد. پس از پذیرایی مدعوین با غذای ایرانی در فضای بسیار گرم و دوستانه همراه با موسیقی اصیل ایرانی کیک بسیار زیبایی که مزین به سمبل های حزبی و نوشته «شصتمین سالگرد حزب توده ایران مبارک» بود بدست همسر یکی از رفقای شهید بریده و در میان حضار پخش شد. در خاتمه به هر کدام از شرکت کنندگان یک پوشه حاوی نشریات حزبی و شاخه های گل سرخ اهدا شد. مدعوین با تشکر از یک برنامه آموزنده و به یاد ماندنی با اهداء مبلغ ۵۰۰ دلار کمک مالی به حزب توده ایران، جشن شصتمین سالگرد حزب را به عنوان مراسمی از نظر کمی و کیفی موفق و یکی از بیاد ماندنی ترین جشن های سال های اخیر به پایان رساندند.

**پیش به سوی تدارک و برگزاری
موفقیت آمیز پنجمین کنگرهٔ
حزب تودهٔ ایران**

خاطره جنبش دوم بهمن جاودان است

با فرا رسیدن دوم بهمن ماه، نیروهای انقلابی میهن ما و از آن جمله حزب توده ایران و حزب دمکرات کردستان ایران، سالگرد یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران، یعنی تشکیل حکومت خودمختار کردستان ایران را گرامی می‌دارند.

دوم بهمن ماه، یادآور مبارزه پر شور مردم کردستان ایران در راه تامین حقوق اساسی خود است، مبارزه بی‌که به طور سرشتی و تنگاتنگ با جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم سراسر کشور پیوند داشت و ضمن یاری رساندن و تقویت آن خود از آن نیرو و توانایی می‌گرفت!

جنبش دوم بهمن و حکومت ملی و خودمختار کردستان به صدارت زنده یاد رفیق قاضی محمد، برای نخستین بار در تاریخ مردم کرد به سلطه انحصاری سنتی طبقه فئودال و عشایر در جنبش آزادی خواهانه کرد نقطه پایان داد و دستگاه حکومت ارتجاعی و سلطه استبدادی را از بخشی از سرزمین ایران برچید! در عین حال این حکومت، مصدر خدمات انکار ناپذیر تاریخی نیز بود. برخی دستاوردهای آن عبارت بودند از: نقشه موسسات صنعتی تدوین و آماده اجرا گردید، نخستین گام در راه رهایی دهقانان از یوغ مناسبات ارباب رعیتی با تقسیم محصول بسود دهقانان برداشته شد، اولین ایستگاه رادیویی کردستان آغاز به کار کرد، سنگ بنای تئاتر ملی گذارده شده، زبان کردی، زبان رسمی منطقه گردید، مطبوعات و نشریات و چاپخانه ایجاد شد، سازمان‌ها و نهادهای دموکراتیک و مردمی نظیر سازمان جوانان، سازمان زنان، انجمن نویسندگان و هنرمندان پدید آمد و برای زنان در جامعه و خانواده حقوق مساوی با مردان مقرر شد و کانون‌های آموزش و بهداشت رایگان برای توده‌های محروم پایه گذاری گردید. به طور کلی باید تاکید کرد این جنبش اصول عام و اساسی رشد انقلابی و شاهراه اصلی مبارزات مردم کرد را معین و روشن ساخته است. در بررسی ماهیت حکومت ملی و خودمختار باید چارچوب تاریخی مشخص آن را مد نظر قرار داده و ویژگی‌های جنبش دوم بهمن را در لحظه تاریخی و در یک دور نما ارزیابی کرد.

حکومت خودمختار کردستان، همانند حکومت ملی و خودمختار آذربایجان، همواره بر این مهم پای می‌فشرد که، بخش جدایی ناپذیر از مبارزه ضد ارتجاعی و آزادی خواهانه مردم سراسر ایران است. چنین دیدگاه روشن، صریح و اصولی، ثمره سالیان دراز تجربه اندوزی و شناخت دوست و دشمن در آزمون‌های دشوار عملی بود. پژوهش گران معتبر تاریخ کردستان ایران، و نیز رفقای رهبری حزب دمکرات کردستان، از جمله رفیق قاسملو، مهم ترین، اصلی ترین و برجسته ترین تجربه را شناخت دوست و دشمن قلمداد کرده اند. در این زمینه، زنده یاد قاسملو، در کتاب خود «کرد و کردستان» به کرات و با دقت، به این تجربه اشاره می‌کند. رفیق شهید علی گلاویژ، دقیقاً در این زمینه، به درستی در بررسی جایگاه تاریخی جنبش ۲ بهمن نوشته است: «کسانی که با تاریخ گذشته خلق کرد آشنایی دارند به روشنی پی می‌برند که جنبش ۲ بهمن با ایجاد یک چنین چرخشی در سرنوشت کردستان و با پی ریزی اصول عمده جنبش معاصر کرد، بزرگترین خدمت را به خلق کرد انجام داده است. حکومت ملی کردستان گرچه بیش از یازده ماه نپایید و با تهاجم مشترک ارتجاع و امپریالیسم آمریکا و انگلیس سرنگون گردید، ولی بدون بیم از مبالغه باید این واقعیت را تکرار کنیم که در این دوران کوتاه با روح دموکراتیک و محتوی انقلابی و سمت گیری درست خود به نسل‌های امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد.»

این اصول عام و بنیادین، به ویژه در شرایط حاضر تاریخی قابل توجه می‌باشد. جهانی شدن سرمایه و پیامدهای دهشتناک آن برای همه خلقها، مسایل نوینی را برای کلیه جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک ملل شرق و از آن جمله جنبش مردم کردستان ایران، به عنوان بخش جدایی ناپذیر جنبش دموکراتیک و انقلابی سراسر ایران مطرح می‌سازد.

هنگامی که از جنبش ۲ بهمن گفته می‌شود، نمی‌توان از حزب توده ایران نامی به میان نیارد. این جنبش، بخشی از تاریخ پرفراز و نشیب حزب ما نیز محسوب می‌شود. آن چه به خلق کرد و فرزندان شایسته این خلق تعلق دارد، از آن حزب توده‌ای ما نیز هست. نقش و تاثیر حزب توده ایران در جنبش ۲ بهمن و تاریخچه درخشان مبارزات مردم کردستان ایران انکار ناپذیر و غیر قابل چشم پوشی است.

در سالگرد این جنبش پر افتخار تاریخی، به خاطره قهرمانان بنام و گمنام مبارزات مردم کرد، که در هر شرایطی به آرمان‌های ملی و انقلابی و مردمی خود وفادار ماندند و رنج توهین و تحقیر دشمنان را به جان خریدند، و همه آنانی که در این راه جان باختند و یا زندان و تبعید را تحمل کرده و می‌کنند، درود می‌فرستیم. خاطره ارجمند و گرامی، قاضی محمد، سیف قاضی، صدر قاضی، شیرزاد، فاروقی، عزیز یوسفی، قاسملو، شرفکندی، گلاویژ، قزلیچی و دهها رزمنده توده‌ای و دموکرات، همچون دیگر انقلابیون سرفراز میهن در یاد خلق‌های ایران زنده و جاودانه است!

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

برای ما این افتخار بزرگی است که تبریكات رفیقانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب شما تقدیم داریم. حزب توده ایران در طول حیات خود تعهدش به مبارزه مردم زحمتکش ایران در راه دموکراسی، حکومت قانون و عدالت اجتماعی را اثبات کرده است.

حزب توده ایران همیشه در صف مقدم مردم ایران در مبارزه برای تحصیل و توسعه حقوق بشر و حقوق سندیکایی و ساختمان یک ایران دموکراتیک و مترقی قرار داشته است. حزب شما همان مسیر درخشان و شکوهمند تعهد به خودگذشتگی در راه مبارزه مردم ایران را ادامه داده است.

حزب توده ایران در طول سال‌های سیاه حکومت شاه و دیکتاتوری جمهوری اسلامی مستحکم در مواضع خود ایستاده و نقشی ارزنده و قابل توجه در داخل و خارج از کشور در افشای و پرده برداشتن از معضلات و مشکلاتی که مردم ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، و بسیج همبستگی بین المللی با مردم ایران ایفاء کرده است.

تاریخ غنی شما که سرشار از خودگذشتگی و قربانی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها می‌باشد نمایشگر تجربه‌ای غنی نه فقط برای مردم ایران بلکه برای همه خلق‌هایی که برای دموکراسی و حقوق بشر مبارزه می‌کنند، بویژه برای آنانی که معتقد به پیروزی سوسیالیسم هستند، می‌باشد.

ما کمونیست‌های سودانی این فرصت را مغتنم شمرده و یک بار دیگر حمایت و همبستگی خود را با مبارزه شما اعلام می‌داریم و برای شما رفقای عزیز موفقیت‌های فراوان در مبارزات دشوار آینده تان آرزو می‌کنیم.

کمیته مرکزی
حزب کمونیست سودان

به یاد رفیق دکتر انوشیروان نظری همرزم شهدای ۱۶ آذر



رفیق انوشیروان نظری در سال ۱۳۱۳، در بندر انزلی متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی در بندر انزلی و رشت راهی تهران شد و تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان البرز تهران به پایان برد. سپس در رشته پزشکی در دانشگاه تهران به تحصیل خود ادامه داد. از همان دوران نوجوانی جذب مبارزات صنفی و سیاسی دانش آموزان و سپس دانشجویان شد. رفیق نظری، با رفیق

شهید بزرگ نیا دوستی نزدیک داشت و همواره از او یاد می کرد. رفیق نظری در جریان تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۳۲، که در مخالفت با ورود نیکسون به ایران و در اعتراض به حکومت کودتا صورت می گرفت و منجر به شهادت بزرگ نیا، رضوی و قندچی شد، شرکت فعال داشت و در میان زخمی شدگان و دستگیر شدگان این تظاهرات بود. رفیق بزرگ نیا در کنار او به شهادت رسید. رفیق نظری پس از فارغ التحصیلی و اخذ دکترا از دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. رفیق نظری سپس با هدف خدمت به مردم کشور خود به ایران بازگشت. در سال های قبل و بعد از انقلاب با روی گشاده بیماراران را پذیرا بود و در جامعه پزشکی و علمی از محبوبیت و اعتبار کم نظیری برخوردار بود. به هنگام آغاز جنگ ایران و عراق، رفیق نظری برای مداوای مجروحان جنگی بارها به جبهه رفت. او در جریان یورش وحشیانه رژیم به حزب توده ایران در سال ۶۲ دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم شد. وی در زندان زیر شکنجه های وحشیانه قرار گرفت تا از عقاید خود دست بردارد و به اتهامات واهی و مسخره «جاسوسی» و «براندازی» اعتراف کند. رفیق تن به خواست جنایتکاران نداد و از همین رو در زندان از محبوبیت و اعتبار بسیاری برخوردار بود. زندانیان بارها رفیق را در معیت پاسداران ارتجاع به مداوای دیگر قربانیان شکنجه می بردند. دکتر نظری پس از آزادی از زندان به حرفه خود بازگشت اما از بیماری کلیه که در اثر فشارهای زندان تشدید شده بود، رنج می برد. دکتر نظری این انسان والا و شریف، تا آخرین روزهای عمرش به اعتقادات عمیق خود به حزب پایبند ماند. رفیق نظری در ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۰، در اثر یک سکته قلبی ناگهانی درگذشت. ما درگذشت رفیق نظری را به خانواده، دوستان و رفقای او تسلیت می گویم و یادش را گرامی می داریم.

ادامه رژیم ولایت فقیه و ...

سنت هاست تا اصول واقعی اسلام. باید دیدگاه ها، نگرش ها و مناسبات نادرست نسبت به زنان تغییر یافته تا بتوان در قوانین نیز تغییر ایجاد کرد.» قوانین زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه آنچنان ضد انسانی است که مزدوران این رژیم هم جرات دفاع از آن را ندارند و با انتساب کردن چنین شیوه های وحشیانه به «نگرش جامعه» در صدد رفع اتهام از رژیم منفور هستند. سخنان مولارودی بار دیگر نشان داد تا همین حقوق برابر برای زنان میهنمان در چارچوب رژیم ولایت فقیه خیالی عبث است. تنها با طرد رژیم ولایت فقیه می توان

کنوانسیون های بین المللی به دلایل واهی «مغایرت با موازین شرعی» مسدود سازد و از طرف دیگر به ظاهر نشان دهد که به موازین حقوق بشر در مورد زنان احترام می گذارد، منتها بر روی کاغذ. نمایندگان زن ستیز رژیم ولایت فقیه علاوه بر حفظ منافع سردمداران خویش در مجامع بین المللی، این طور القاء می کنند که تبعیض های موجود بر علیه زنان ناشی از نگرش های سنتی مردم است نه قوانین موجود در ایران. به همین دلیل است که مولارودی می گوید: «در جامعه ما وضعیت زنان بیشتر متأثر از فرهنگ، آداب و رسوم و

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

استراتژیک حیات اقتصادی - مالی آمریکا را در چنگ دارند بر هیئت حاکمه آمریکا برای حمایت از طرح های ماجراجویانه اسرائیل برای تضمین تسلط این کشور بر حیات اقتصادی - سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا بر پایه برتری نظامی آن گزارش می دهند. در دو ماهه گذشته دولت بوش عملاً فصل جدیدی را در سیاست خارجی ایالات متحده گشوده است که محور اصلی آن حمایت بی قید و شرط از دولت شارون و سیاست های ماجراجویانه و خطرناک آن است. جورج بوش و متحدان ناتوی آن یکباره مسأله تشکیل دولت مستقل فلسطینی را که سه ماه قبل مطرح بود به فراموشی سپرده اند. در خاورمیانه اکنون سخن از این است که سیاست خارجی ایالات متحده بطور فزاینده بی بر حمایت کامل و بدون قید و شرط از سیاست های دولت شارون تکیه دارد. اسرائیل سعی دارد با بزرگ جلوه دادن نفوذ رژیم ولایت فقیه بر روی نیروهای افراطی فلسطینی، جمهوری اسلامی ایران را عامل عمده رشد درگیری های کنونی و بزرگترین خطر برای امنیت اسرائیل قلمداد کند. در هفته های اخیر محافل مطلع اسرائیل طرح های دولت این کشور برای حمله نظامی به تاسیسات اتمی و هدف های اقتصادی در ایران را فاش کرده اند.

رئیس جمهور آمریکا به تاسی از سلف خود رونالد ریگان که دو دهه پیش با اطلاق «امپراطوری اهریمنی» به اتحاد شوروی سابق سعی به بسیج جبهه یی وسیع از واتیکان گرفته تا عربستان سعودی برای نابودی کشورهای سوسیالیستی کرد، در صدد جلب نیرو برای گسترش و تثبیت «نظم نوین جهانی»، خصوصاً در منطقه استراتژیک خاورمیانه و آسیای مرکزی است.

جورج بوش در شرایطی آغاز تدارک حمله به کشور های «محور اهریمنی» را اعلام می کند که تحولات جدی و نگران کننده یی در دیگر نقاط جهان در جریان است. کمک ارتش آمریکا به دولت فیلیپین برای سرکوب نیروهای مخالف تحت عنوان مبارزه با تروریسم، حمله نظامی همه جانبه نیروهای نظامی اسرائیل به قلمرو دولت خودگردان فلسطین و اشغال عملی سرزمین های فلسطینی، بالاگرفتن مشاجرات دیپلماتیک بین انگلستان و زیمبابوه و تحرکات همه جانبه دیپلماتیک ایالات متحده برای تامین تسلط همه جانبه این کشور بر تحولات در سراسر جهان بخشی از تهاجم هدفمند امپریالیستی است.

حزب توده ایران قویاً اظهارات جورج بوش و طراحان سیاست گذاری ایالات متحده را در رابطه با دخالت در تحولات داخلی میهن ما محکوم می کند

ما به هیچ روی معتقد نیستیم که این گونه سیاست های دولت آمریکا می تواند در جهت بسط آزادی و دموکراسی و مبارزه با تروریسم در جهان عمل کند. توجه به «تحسین رهبری قدرتمند» «ژنرال پرویز مشرف» کودتاجی در پاکستان در سخنرانی جورج بوش پرده از عیار واقعی مفاهیم «دموکراسی» و «مبارزه با تروریسم» در فرهنگ دولت ایالات متحده آمریکا بر می دارد. دولت پاکستان پشتیبان اصلی طالبان و اسامه بن لادن بوده و است. حمایت گره های تروریستی در کشمیر و در هندوستان از طرف دولت پاکستان و سازمان امنیت آن مسأله یی نیست که بشود از افکار عمومی پنهان کرد.

حزب توده ایران به عنوان قدیمی ترین نیروی سیاسی دموکراتیک در ایران که بیش از شش دهه برای استقرار دموکراسی و آزادی و عدالت اجتماعی در ایران، در دفاع صلح جهانی، در حمایت از حقوق خلق ها و بر ضد تروریسم مبارزه کرده است، با توجه به شرایط حساس کنونی منطقه و خطر دخالت آمریکا همه نیروهای سیاسی ملی - دموکراتیک کشور را فرا می خواند تا با اتخاذ یک سیاست متحد و هماهنگ تا دیر نشده مانع فتنه انگیزی نیروهای وابسته به امپریالیسم شویم. جنبش مردمی میهن ما همچنین نباید اجازه دهد تا رژیم حاکم بر میهن ما با اتخاذ سیاست های ماجراجویانه در منطقه و دخالت در امور سایر کشورها، بهانه لازم را برای تهاجم نظامی آمریکا به میهن ما فراهم آورد. ما بر آنیم که با بسیج توده ها و تشدید مبارزه برای اصلاحات دموکراتیک می توانیم عرصه عمل نیروهای واپسگرا و ارتجاعی و بهانه جویی های امپریالیسم را محدود و مسدود نماییم. ما بار دیگر همه نیروهای ضد استبداد، ملی و مترقی میهن را به مبارزه مشترک بر ضد توطئه های امپریالیسم، و ارتجاع داخلی برای حرکت به سمت تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار فرا می خوانیم.

ادامه اجلاس احزاب کارگری و کمونیستی در خاورمیانه ...

اجلاس شانگهای و ایجاد بلوک جدید در منطقه

روز ۷ ژانویه چین، روسیه و چهار کشور آسیای مرکزی، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، طبق قراردادی، تعهد کردند تا با تروریسم در همه اشکال آن، به مبارزه بپردازند.

وزیر امور خارجه «سازمان همکاری شانگهای»، در پایان جلسه یک روزه خود، طی قطعنامه ای تأکید کردند که: «دولت های عضو اعلام می کنند که مبارزه با تروریسم در تمامی سطوح بین المللی، منطقه ای و ملی باید ادامه یابد.»

در بین کشورهای عضو این سازمان چین، درگیر مبارزه با گروه جدایی طلب «اویغور» است. این گروه خواستار استقلال منطقه اویغور است و آن را «ترکستان شرقی» می نامند. روسیه نیز درگیر مسأله جنگ با جدایی طلبان چین است و آن را بخشی از مبارزه جهانی علیه تروریسم جهانی می داند.

وزیر امور خارجه چین در این مورد گفت: «همه اعضا گروه از موقعیت و تلاش چین در مورد مبارزه با تروریست های ترکستان شرقی در چین و روسیه در مورد تروریست های چین، به عنوان بخشی از تلاش برای مبارزه با تروریسم جهانی پشتیبانی می کنند.»

طبق توافق اعضا این گروه، هیچکدام از این کشورها در امور داخلی افغانستان پس از طالبان دخالت نخواهند داشت و بر حفظ صلح تحت نظارت و کنترل سازمان ملل تأکید کردند. در قطعنامه ای که به تصویب رسید، گفته می شود که: «هرگونه تلاش برای تحمیل قدرت سیاسی مشخص در افغانستان و یا اعمال نفوذ نیروی مشخصی در افغانستان، سبب بحران های جدیدی برای افغانستان و همسایگان آن خواهد شد.»

در قطعنامه همچنین با تأکید بر حضور مستقیم سازمان ملل، اضافه شده است که:

«ما بر این تأکید داریم که نیروهای امنیتی بین المللی باید همکاری بسیار نزدیکی با دولت موقت افغانستان داشته باشند و طبق قرار های سازمان ملل و با موافقت دولت قانونی افغانستان دست به اقدام های لازم بزنند.»

اجلاس اخیر کشورهای عضو «سازمان همکاری شانگهای» بشارت دهنده بوجود آمدن بلوک نظامی و سیاسی قدرت مندی در این منطقه جهان است، که علاوه بر تامین منافع کشورهای عضو، تأثیر مشخصی در مقابله با حضور و توسعه فعالیت های ایالات متحده آمریکا خواهد داشت. این سازمان گسترش صفوف خود در منطقه را در نظر دارد و از هم اکنون کشورهای هندوستان، پاکستان، ترکمنستان و مغولستان نیز خواستار پیوستن به آن شده اند. در صورت پیوستن این کشورها و توسعه ساختاری این سازمان، بیامنی با جمعیتی برابر با نیمی از جهان در برابر سازمان ها و اتحادیه های منطقه ای دیگر بوجود خواهد آمد که به یقین می تواند نقشی تعیین کننده در تحولات منطقه و جهان ایفا کند.

تأکید به اهمیت ایجاد محمل ها و شرایط اتخاذ سیاست های مبارزاتی مشترک و هماهنگی عملی احزاب کمونیستی - کارگری منطقه به نتایج مخرب حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به نیویورک و واشنگتن اشاره کرد. که زمان این حملات تروریستی با توجه با شرایط اقتصادی - سیاسی جهان و ایالات متحده برای محافل ارتجاعی آمریکا ایده آل بود: «بدنبال انتخاب پرزیدنت بوش، اقتصاد آمریکا علائم جدی بحران را از خود بروز داده بود. جنبش های اعتراضی بر ضد جهانی شدن در حال گسترش و قدرت گیری بودند، در نظم نوین جهانی پس از شکست اتحاد شوروی نشانه های عدم ثبات شروع به ظهور کرده بودند و دورنمای یک جبهه متحد مردمی بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری مطرح و در حال قدرت گیری بود. در تعدادی از کشورهای جهان نیروهای مترقی توانسته بودند که نقش موثری در مبارزه برای توسعه سیاسی و اقتصادی ایفاء کنند.»

نماینده حزب توده ایران پس از اشاره به عواقب مخرب و منفی نتیجه از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر و بهانه جویی و لشگر کشی آمریکا و انگلستان به منطقه و شرایط حاد، حساس و خطرناک در منطقه گفت: «هیچ توجیهی برای دفاع از آنانی که مسبب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر می باشند، وجود ندارد. ولیکن ما معتقدیم که پیگرد آن هایی که در قتل عام نیویورک مجرم هستند نیازمند یک عملکرد هوشمندانه و ظریف بر پایه قوانین بین المللی و نه قانون تفنگ می باشد.» در رابطه با وضعیت حاد و خطرناکی که بدلیل سیاست های سرکوبگرانه و ضد انسانی دولت اسرائیل بر ضد مردم فلسطین اتخاذ شده اضافه شد: «تا یک راه حل عادلانه برای مسأله فلسطین پیدا نشود، و مردم فلسطین از تجاوز و سرکوب دولت اسرائیل نجات پیدا نکنند و قطعنامه های سازمان ملل بطور کامل به اجرا در نیایند» بحران خاورمیانه ادامه پیدا خواهد کرد.

نماینده حزب توده ایران در سخنرانی مفصل خود به وجود دلایل دیگری برای حمله نظامی آمریکا و از جمله «کنترل منابع نفتی و دیگر منابع طبیعی» اشاره کرد و گفت که: «از مبارزه بر ضد تروریسم نباید به مثابه بهانه ای برای تشدید نظامی گری و توسعه بیشتر «نظم نوین جهانی» در منطقه استفاده شود. نیروهای مترقی حق دارند که در رابطه با تحولات اخیر نگران باشند.»

نماینده کمیته مرکزی حزب مان در بخش دیگری از سخنرانی خود به اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشورهای منطقه و زمینه های بهانه جویی ها و عملکرد مخرب امپریالیسم در خاورمیانه پرداخت و به سیاست های اعمال شده از سوی رژیم های حاکم در شیخ نشین های خلیج فارس، مصر، ایران، عراق، اردن، سودان، ترکیه و دیگر کشور ها اشاره کرد. او اشاره کرد که احزاب کمونیستی - کارگری منطقه برای حل بحران باید به ریشه های آن به پردازند. «علت پایه ای این بحران فقر است، همچنین دیکتاتوری و استثمار سرمایه داری است، عدم توسعه سیاسی جوامع ما است، تلاش محافل فاسد حاکم است برای ادامه حکومتشان از طریق هدایت تحولات از مسیر های مصنوعی خود خواسته و انحراف اذهان.»

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با اشاره به ضرورت ایجاد یک جبهه متحد نیروهای مترقی برای صلح و عدالت اجتماعی و کوشش های هدفمند حزب توده ایران در راستای این مهم به پایان رسید. در سخنرانی های احزاب برادر حاضر در اجلاس جنبه های متفاوت تحولات منطقه و به ویژه شدت گرفتن حملات نظامی اسرائیل به مناطق فلسطینی و حمایت علنی ایالات متحده از دولت شارون مورد توجه قرار گرفت. از نکات بسیار مهم و قابل توجه این سخنرانی ها توجه به وضعیت حساس و خطرناکی است که بدلیل سیاست های ارتجاعی رهبران رژیم فقهاتی، در رابطه با میهن ما ایران پدید آمده است. رفیق ایسام مخول، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل و عضو پارلمان این کشور در سخنرانی خود طرح های خطرناک دولت شارون برای حمله نظامی به مراکز امنی ایران (نظیر حمله ای که دو دهه پیش در رابطه با عراق انجام شد) را افشاء کرد. رفیق مخول اشاره کرد که دولت دست راستی اسرائیل در صدد است که زیر پوشش نابود کردن تاسیسات مورد استفاده از سوی نیروهای تروریست مخالف اسرائیل ایالات متحده را در راستای حمله نظامی به کشورهای مشخصی در منطقه ترغیب نماید.

در پایان بحث ها و توضیحات نمایندگان احزاب حاضر که در فضایی بسیار رفیقانه انجام پذیرفت، اجلاس به بررسی ابتکارات مهم پیشنهادی برای ارتقاء سطح همکاری چند جانبه بین احزاب کمونیستی - کارگری و از جمله ایجاد یک «مرکز تحقیق علمی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» در منطقه پرداخت و قرار های لازم برای تدارک عملی - اجرایی را صادر کرد.

بیانیه مفصل نهایی اجلاس با جمع بندی نقاط مشترک تحلیل های احزاب شرکت کننده به موازات اعلام محکومیت تروریسم و انتقاد های مشخص بر ضد سیاست های اتخاذ شده از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن، عرصه های عمل مشترک نیروهای ترقی خواه منطقه را مورد توجه قرار داد. بیانیه نهایی به ویژه نگرانی احزاب کمونیستی - کارگری در رابطه با تلاش امپریالیسم برای بهره گیری از بحران حاضر در منطقه را منعکس کرد و لزوم مبارزه مشترک برای بسط حقوق و آزادی های دموکراتیک، دموکراسی و عدالت اجتماعی را برجسته کرد.

بیانیه نهایی در کنار اعلام آمادگی احزاب کمونیستی - کارگری منطقه برای مبارزه برای حل مسأله خاورمیانه در رابطه با فلسطین، حمایت از مبارزه مردم قبرس برای پایان دادن به اشغال نیمه شمالی این کشور از سوی ارتش ترکیه و طرح های توطئه گرانه امپریالیسم در رابطه با عراق - با تصویب بند های زیر همبستگی نیروهای انقلابی منطقه را با مبارزه مهم خلق ها برای دموکراسی و حقوق بشر را به نمایش گذاشت: احزاب شرکت کننده در اجلاس

■ از مبارزه برای حقوق دموکراتیک پایه ای که شامل حق تشکیل آزادانه، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، حقوق اقلیت های ملی و مذهبی، استقلال قوه قضائیه، و همچنین مبارزه برای محکوم کردن تروریسم دولتی حمایت می کنند

■ پیگرد و بازداشت مبارزان برای حقوق و آزادی های دموکراتیک را محکوم می کنند و همبستگی خود با مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ترکیه، اسرائیل، ایران، عراق، و سودان و در دیگر کشورهای منطقه را اعلام می کنند.

■ از مبارزه جاری جنبش جوانان و دانشجویان، کارگران و زنان بر ضد رژیم تئوکراتیک و برای دموکراتیزه کردن، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران حمایت می کنند.

شرکت هیئت نمایندگی

حزب توده ایران در

اجلاس احزاب کمونیست خاورمیانه

حمایت اجلاس احزاب کمونیست - کارگری منطقه خاورمیانه از:
«مبارزه جاری جنبش جوانان و دانشجویان، کارگران و زنان ایران بر ضد رژیم تنوکراتیک و برای دموکراتیزه کردن حیات جامعه، و تحقق حقوق بشر و عدالت اجتماعی»
«مبارزه برای حقوق دموکراتیک اساسی پی که شامل حق تشکیل آزادانه، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، حقوق اقلیت های ملی و مذهبی، استقلال قوه قضائیه...»
«حق خدشه ناپذیر خلق کرد برای خودمختاری در چهارچوب مرزهای موجود کشورها»



نیروهای مبارز ضد امپریالیستی، برای دستیابی به یک سطح بالاتر از هماهنگی و عمل مشترک، در چنین جهتی می باشد.

رفیق پاپاریگا در ادامه سخنرانی خود با اشاره به تلاش آمریکا به جلب حمایت کشورهای جهان از «جنگ بر ضد تروریسم» و بهانه جویی این کشور از نیروهایی که هژمونی امپریالیسم یانکی را قبول ندارند را زمینه جنگ های جدیدی در منطقه حساس خاورمیانه دانست. او گفت: «ما به ویژه نگران بیانیتهایی هستیم که بر ضد عراق و ایران صادر شده است. موضع حزب ما با مواضع احزاب برادر در این دو کشور در رابطه با رژیم های حاکم، همخوانی دارد. ما همچنین در این مورد توافق نظر داریم، و می خواهیم این را به ویژه مورد تاکید قرار دهیم، که هیچ کشوری و بخصوص ایالات متحده، این اجازه را ندارد که به بهانه عوض کردن رژیم های ضد دموکراتیک حاکم، تدارک دخالت در این کشورها را ببیند. هر گونه تغییری قبل از هر چیز موضوعی مربوط به جنبش های مردمی در این کشورها می باشد...»

نماینده حزب مان در سخنرانی خود در اجلاس احزاب منطقه بر پایه تحلیل های مصوبه پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن

سخنرانی جامع خود به توطئه تصویب بلاوقفه سلسله قوانین جدیدی در کشور های سرمایه داری با هدف محدود کردن مبارزات کارگری و ترقی خواهانه و نیز سعی محافل امنیتی - قانون گذار ارتجاعی برای مارک تروریستی زدن بر هرگونه مبارزه آزادیخواهانه اشاره کرد. «به عقیده ما، ما می بایست با نقطه نظری که از ماشین تبلیغاتی مراکز امپریالیستی سر چشمه می گیرد و می گوید که عملیات تروریستی از قبیل حوادث ۱۱ سپتامبر پاسخی از طرف فقرا و مردم ستمدیده به سرکوب امپریالیستی و استثمار درنده خویانه بقیه جهان می باشد، مبارزه کنیم. چنین نظریاتی آن سوی دیگر اقدامات سرکوبگرانه بر ضد جنبش ها و خلق هایی است که در مقابل نظم نوین امپریالیستی مقاومت و مبارزه می کنند. نه، مبارزه خلق ها و جنبش ها برای راهی اجتماعی و استقلال ملی هیچ نقطه مشترکی با شیوه های تروریستی ندارد. کمونیست ها با سالیان طولانی تجربه شان از چنین گرایشاتی، به این حقیقت آگاهی دارند.» دبیر کل حزب برادر آن گاه پس از اشاره به مبارزه ستایش آمیز کمونیست ها و ترقی خواهان یونان بر ضد سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم و کشورهای عضو پیمان ناتو خاطر نشان کرد: «ما اهمیت عظیمی برای جهانی کردن مبارزه، برای شرکت توده ها و حمایت آن ها از بسیج بر ضد «جهانی شدن» سرمایه داری، که اوج آن در تظاهرات عظیم در شهر «جنوا» و در جریان اجلاس اخیر اتحادیه اروپا در شهر «آخن» بود، قایل هستیم. کوشش های ما برای رشد تبادل تجربه از طریق سازمان دهی گفتگو بین احزاب کمونیست - کارگری، و هم چنین حمایت و کمک عمل ما به برگزاری جلسات

اجلاس مهم احزاب کمونیست - کارگری منطقه خاورمیانه و کشورهای مدیترانه با دستور کار بحث و بررسی در مورد تحولات ماه های اخیر جهان بدنمال حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به نیویورک و تهاجم نظامی ایالات متحده آمریکا و کشورهای موئل آن به افغانستان و سقوط رژیم ضد مردمی طالبان در روزهای ۲۶ و ۲۷ ژانویه در آتن پایتخت یونان برگزار شد. شرکت فعال هیئت های نمایندگی کمیته های مرکزی احزاب کمونیستی - کارگری از کشورهای اردن، اسرائیل، ایران، عراق، کردستان، مصر، سوریه، فلسطین، یونان، قبرس، سودان در بحث های اجلاس و تصمیمات مشخص اتخاذ شده در رابطه با هماهنگی مبارزه خلق های منطقه که در بیانیه پراهمیت نهایی اجلاس منعکس شد، نمایشگر وحدت نظر نیروهای پیشرو منطقه در لزوم اقدام قاطع برای جلوگیری از رخداد های فاجعه آمیز در این منطقه حساس جهان می باشد.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران با حضور در این اجلاس و با شرکت فعال در بحث ها و توضیح مواضع سیاسی - مبارزاتی حزب مان برای احزاب برادر منطقه، لزوم هماهنگی مبارزات در همبستگی با کارزار خلق ها در طلب حقوق و آزادی های دموکراتیک و عدالت اجتماعی و بر ضد امپریالیسم و ارتجاع را مورد تاکید قرار داد.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در ملاقات دو جانبه ای با هیئت نمایندگی رهبری حزب کمونیست یونان و از جمله نمایندگان آن در پارلمان این کشور در حاشیه اجلاس در رابطه با مسایل مورد علاقه دو حزب برادر، تحلیل تحولات جاری در دو کشور و از جمله فعالیت ها و سازمان دهی ابتکار های مشترک به تبادل نظر پرداختند.

اجلاس با سخنرانی رفیق آلکا پاپاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان، با حضور انبوه خبرنگاران مطبوعات و رادیو تلویزیون در سالن مجلل کنگره های یونان در مرکز آتن آغاز شد.

رفیق پاپاریگا خاطر نشان کرد: «حزب کمونیست یونان همدردی خود را با هزاران قربانی حوادث ۱۱ سپتامبر اعلام کرد، و بطور همزمان اشاره کرد که این عملیات بهانه ای را برای سازماندهی یک حمله بی سابقه بر ضد آزادی ها و حقوق مردم با دستاویز جنگ با تروریسم فراهم کرد. دلایل عمومی تر برای این حمله از قبل از ۱۱ سپتامبر موجود بود. هدف این جنگ فراتر از هر امری مستحکم کردن و جاودانی کردن هژمونی جهانی ایالات متحده می باشد... رفیق پاپاریگا در ادامه

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

خسرو از ونکوور کانادا به مناسبت شصتمین سالگرد حزب رفیق فدائی از ونکوور کانادا ۲۰۰ دلار آرمان و امید از آمریکا ۶۰ دلار رفیق «ص» از کالگری کانادا ۵۰ دلار سهیلا از بلژیک ۱۰۰ دلار فرانک ۵۰۰

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 3. <http://www.tudehpartyiran.org>
 4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 627
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 February 2002

**شماره فاکس و
 تلفن پیام گیر ما**
 ۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
 790020580 شماره حساب
 10050000 کد بانک
 Berliner Sparkasse بانک